

اطلاعیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

بقیه از صفحه ۱

حزب توده ایران، حزبی که طی چهل و یک سال مبارزه بی امان با امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، با استبداد سلطنتی، با کلان سرمایه داران و بزرگ زمین داران برای تأمین استقلال کشور، آزادی و عدالت اجتماعی هزاران قربانی داده و هزاران سال زندان به دوش کشیده، حزبی که با تمام قوا و امکاناتش در انقلاب شکوهمند بهمن ۱۳۵۷ / فوریه ۱۹۷۹ / شرکت جست و در حفظ و تحکیم و تعمیق دستاوردهای ضد امپریالیستی و خلقی این انقلاب نقش فعال و موثری داشته است. نخستین بار نیست که با چنین اتهامات امپریالیسم ساخته روبرو گشته است.

کمیته مرکزی حزب توده ایران از مدتی قبل محتوای توطئه ناجوانمردانه امپریالیسم و ایادی داخلی آنرا که به اشکال مختلف برای ضربه زدن بر حزب توده ایران چیده شده است، افشا کرده و انگیزه اساسی این توطئه ها و جرائم و اتهامات و افتراءات متنبسه را نشان داده است.

رفیق نورالدین کیسانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، از برجسته ترین طراحان و سازمان دهندگان

پیکار علیه امپریالیسم و رژیم وابسته شاه معدوم و دشمنان انقلاب ایران و از مدافعین استوار روحانیت و مسلمانان مبارز پیرو خط امام خمینی، در نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران به مقامات جمهوری اسلامی ایران در تاریخ بیست و هشتم اردیبهشت ۱۳۶۱ / ۱۸ ماه مه ۱۹۸۲ / می نویسد:

"جرم ما این است که از دیر زمان راه انقلاب را بد رستی تشخیص دادیم، جرم ما این است که دوستان و دشمنان انقلاب ایران را چه در درون میهن و چه در صحنه جهانی بد رستی شناختیم و با روشنی و پیگیری بر مواضعی که به آن صادقانه معتقدیم، ایستادیم."

یاد آوری این واقعیت بسیار بجاست، کسه تاریخ چهل ساله و اند نشان داده است که بلا استثنا هر هجوم گسترده امپریالیسم بر منافع و مصالح ملت ایران، استقلال و آزادی و دگرگونی کشور یا حمله سرتاسری علیه حزب توده ایران آغاز شده است.

همانطور که بارها حزب توده ایران هشدار داده است، باردیگر هشدار می دهد که توطئه اخیر آغاز توطئه سهیمین و عظیمی است که علیه انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران در

مراحل تعیین کننده و حساس آن انجام می پذیرد و هدفش سرکوب انقلاب و براندازی جمهوری اسلامی ایران است. این درسی است کسه انقلابات نافرجام در سراسر جهان، به همه پیروندگان راه استقلال و آزادی و پیشرفت اجتماعی می آموزد که حمله به احزاب کمونیست و کارگری همیشه سرآغاز مسخ و شکست انقلابات بسوده است.

حزب توده ایران با کارنامه روشن مبارزات استقلال طلبانه و آزادی خواهانه خود، به موجب حق صریحی که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای فعالیت های سیاسی قائل است و به موجب عهد های روشن مسئولان جمهوری اسلامی ایران، به ویژه رهبر انقلاب، امام خمینی گنه: " همه احزاب و گروهها تا وقتی با کشور اسلامی جنگ ندارند، در مقابل اسلام قیام مسلحانه نکردند، بطور آزادانه عمل می کنند و بطور آزادانه حرفهایشان را می زنند." محق است، که فعالیت آزاد، قانونی و وطنی داشته باشد و همراهی خواهد که به تضییقات علیه حزب توده ایران و بازداشت غیرقانونی رهبران و اعضا حزب پایمان داده شود.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۸ بهمن ماه ۱۳۶۱

سزوفت انقلاب در گرو نظام اجتماعی - اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

بقیه از صفحه ۱

بنیادی دیگری در زمینه های زیر در دستور انقلاب قرار میگیرد:

۱- تحول اجتماعی - سیاسی از راه دگرگونی در اداره کشور و دستگاهها و نهاد های دولتی بر پایه اصول دموکراتیک و ایجاد امکان همه جانبه برای فعالیت سازمان های انقلابی و مترقی مدافع انقلاب؛

۲- تحول اجتماعی - اقتصادی از راه دگرگونی بنیادی در زیر بنای اقتصادی به منظور تأمین عدالت اقتصادی و اجتماعی (تعیین راه رشد)؛

۳- تحول اقتصادی - فنی از راه دگرگونی در شرایط مادی - فنی رشد به منظور تأمین و پیشرفت اقتصادی و پایان دادن به وابستگی (تعیین الگوی رشد)؛

۴- تحول فرهنگی از راه تغییر بنیادی در رو بنای فرهنگی و معنوی جامعه و تأمین پیشرفت همه جانبه دانش علمی و فنی.

اگر چه انجام تحولات بنیادی در زمینه این چهار گروه مسائل از اولویت های متفاوت برخوردار است و تحقق آنها به زمان های متفاوت نیاز دارد و به شیوه های متفاوت انجام میگیرد، ولی میان تمام آنها یک پیوند مستمر ارگانیک وجود دارد که موفقیت هر یک را وابسته به موفقیت در زمینه های دیگر میسازد.

طبیعی است حل مثبت و رادیکال این چهار گروه مسائل بنیادی با مقاومت شدید و روزافزون نیروهای ارتجاعی و استثمارگر داخلی در همکای تنگاتنگ با نیروهای ارتجاعی منطقه و امپریالیسم جهانی بویژه امپریالیسم آمریکا روبرو میگردد.

توطئه چینیه ها و فتنه انگیزی های داخلی و خارجی موجود در ایران از خرابکاری در کارخانه و مزرعه گرفته تا سنگ اندازی در برابر قانونیست، از گرانفروشی و احتکار تاجر داخلی گرفته تا تحریم اقتصادی امپریالیسم از تدارک کودتای شبه کودتای مزدوران داخلی گرفته تا جنگ تحمیلی از خارج، تروریسم جهانی از سوی گروهها و گروهک های بازی خورده و خود فروخته تا تروریسم عقیدتی و معنوی از جانب قشر بسون انحصار طلب - هه و هم رفته های به هم بافته دسیسه ها و دام هائی هستند که ارتجاع داخلی و امپریالیسم خارجی در برابر تداوم انقلاب ایران گسترده اند.

بزرگ کشیدن شاه از تخت و بیرون راندن امپریالیسم از دروازه زمانی که حل بنیادی مسائل اجتماعی - اقتصادی، مادی - فنی، اجتماعی - سیاسی و فرهنگی - معنوی را در پی نداشته باشد، برای ارتجاع داخلی و امپریالیسم جهانی، اگر تحمل ناپذیر هم باشد، امید آفرین است؛ زیرا بدون حل پیگیر و قاطع این چهار گسره

مسائل بنیادی، شرایط عینی و زمینه های ذهنی برای بازگشت استبداد و نواستعمار، و بسودر لباسی دیگر و چهره های دیگر، همچنان باقی خواهد ماند.

اگر جامعه انقلابی ایران به این تحولات دست نیازد، صرف نظر از نیت خوش و ناخوش گردانندگان، این جامعه از لحاظ سرشتی جامعه های طبقاتی و عقب مانده باقی خواهد ماند، با تمام بی آید های آن: احیاء مجسود استبداد، تحکیم دوباره زنجیر سست شده، وابستگی اقتصادی، پیوند تازه رشته های گسسته وابستگی سیاسی - نظامی، اوج گرفتن نابرابری های اجتماعی و اقتصادی، اسارت تازه فرهنگی و معنوی و بزبان ساده مسخ و شکست انقلاب.

بطوریکه هم اکنون شاهدیم، هر قدر تحقق اصلی بنیادین پیش بینی شده در قانون اساسی بیشتر در دستور روز قرار میگیرد، هر قدر طرح مسائل از حد کلی باقی به حل مشخص آن نزد یکتر میشود، رویارویی مدافعان منافع متضاد و متضاد طبقات و قشرها و گروه های اجتماعی شدت و وحدت بیشتر پیدا میکند و مرزهای میان صفوف نیروهای راستین انقلاب و نیروهای متظاهر به آن روشن تر میگردد. حزب توده ایران پشایه یک سازمان سیاسی واقعا انقلابی، علمی رزم تمام اتهامات و افتراءها و تحریفها و دشنام هائی دشمنان دانا و دوستان نادان، که زیاتشان شاد کمتر از دشمنان دانا نباشد، در راه تحقق اصول بنیادین و اصلی قانون اساسی، دوش بسدوش سایر نیروهای واقعا انقلابی، از هر مکتب و مسلکی که باشند، به مبارزه خود همچنان ادامه خواهد داد.

یک سال دیگر نبرد با ضد انقلاب



انقلاب شکوهمند مردم ایران در اوج نبرد با نیروهای جهنمی ضد انقلاب، چهارمین سالگرد پیروزی خویش را جشن می‌گیرد و پایه پنجمین سال رزم دشوار برای تثبیت و تحکیم می‌گذارد. در آغاز چهارمین سال انقلاب، برهمه نیروهای راستین مدافع انقلاب روشن بود که: " راهی که برای تحقق همه جانبه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، و به سخن دیگر تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب بزرگ ضد استبداد است، ضد امپریالیستی و مردمی ایران در برابر مافزار دارد، همچنان راهی است دشوار بخرنوج و طولانی." (اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت چهارمین سالگرد پیروزی انقلاب) اکنون، در شروع پنجمین سال انقلاب، راه همچنان دشوار و طولانی و حتی بخرنوج تر است. انقلاب ایران در حالیکه در چهارمین سال پیروزی خود، نبرد های خونین و کمرشکنی پشت سر گذاشته است، با قاطعی خون چکان وارد سال سرنوشتی خویش می‌شود.

در این نبرد سرنوشتی، تجربه خونین چهارمین سال انقلاب، اگر بکار بسته نشود، پیروزی نیروهای انقلابی بر ضد انقلاب بسی دشوار خواهد شد.

تشدید توطئه‌های خطرناک آمریکا علیه ایران انقلابی

در همان آغاز سال چهارم انقلاب، شیطان بزرگ آمریکا بار دیگر چهره پلیدش را به مردم و انقلابیون ما نشان داد و با گسترش تظاهرات جنگی و رجز خوانی مرتجعین منطقه بدستور و این برگر وزیر دفاع آمریکا که به عربستان سعودی و عمان و اردن سفر کرده بود، با تقویت نظامی صدام از طریق سرازیر کردن سبلی اسلحه به کشورهای مرتجع عربی، ساختمان چندین پایگاه زمینی و هوایی آمریکا در عربستان، و بالاخره با اتحاد شش کشور عربی خلیج فارس علیه جمهوری اسلامی ایران، مرحله جدیدی از تدارکات نظامی مستقیم علیه انقلاب ایران را آغاز کرد، بطوریکه فرمانسده سپاه پاسداران طی مصاحبه‌ای با مجله " پیام انقلاب " با اشاره به این جنب و جوشهای تحریک آمیز، گفت:

" سال آینده با احتمال زیاد ممکن است سال سیج تمام عوامل آمریکا در منطقه بر علیه ما باشد. سالی است که آمریکا با آخرین تلاشهای سعی دارد با ما به مبارزه برخیزد. سال آینده ما در گریهائی را در سطح منطقه و در سطح بین المللی از طریق عوامل مزدور آمریکا خواهیم داشت."

در کنار این تحریکات، در اسفند ماه ۱۳۶۰ اعلام شد که آمریکا تصمیم گرفته است ۱۲۰ تانک و دهها هلیکوپتر جنگی مجهز به راکت های هوا- زمین پاکستان بدهد که جدا از معامله چند

توده ایران، در ۲ خرداد ۱۳۶۱ این گرایش را بدرستی تشخیص داد: " (دیدهای) در جمهوری اسلامی، در بین بخشی از دولتمردان، مدتها است که دیده می- شود. ۰۰۰ اینطور استدلال می‌کنند که: اگر ما شوروی ستیزی و کمونیسم ستیزی آشکار را شدت بدیم، فتنار آمریکا و غرب به جمهوری کم خواهد شد. وی ادامه داد: " این شیوه‌ها، دوران های طولانی بکار بسته شده‌اند، نه فقط در کشور ما، بلکه در کشورهای دیگر نیز، ولی تاریخ ثابت کرده است که نتیجه آنها همیشه منفی بوده، نه مثبت."

منسی کردن آمریکا

حلقه اصلی توطئه‌های ضد انقلاب، در سال چهارم انقلاب هم، منسی کردن آمریکای جنایتکار دشمن اصلی خلقهای ایران و جهان بود. همینکه سقوط بنی صدر خائن حتمی شد، در اجتماعات شعار " مرگ بر شوروی " بدنبال بقیه در صفحه ۵

فیلاردین لاری اخیر بن صبا الحق و ریثان بود در ترکیه ضد انقلابیون و ساواکیها و سلطنت طلبان فراری فعالتهای خود را گسترش دادند و واحد های ارتشی تشکیل دادند. در عین حال رژیم نظامی حاکم بر ترکیه با برقراری تماسهایی با دولت جمهوری اسلامی ایران، جزئی دیگر از توطئه آمریکایی علیه انقلاب ایران را عهده دار گشت و مقامات این رژیم در مذاکرات با مقامات ایرانی کوشیدند لقا کنند که دشمن اصلی همل شوروی است (!) تا ایران را در برابر نقشه‌های دشمن حوای کنند و نقشه برژینسکی مبنی بر تیره کردن روابط ایران و اتحاد شوروی را دنبال نمایند. در عین حال آمریکا کوشید و می‌کوشد که با نشان دادن چهره‌های سازشکارانه (که فریب و حمله‌ای بشر نیست، چرا که آمریکا ایران را می- خواهد، آنها هم با حاکمینی نظیر عربستان و پاکستان) و نامود سازد که با گسترش موج ضد کمونیستی در ایران، حاضر بنوعی سازش است و متاسفانه باید گفت که بخشی از دولتمردان جمهوری اسلامی ایران در این دام افتاده‌اند. نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب

اتحاد - تنه راه پیروزی در نبرد سرنوشتی انقلاب!

بقیه از صفحه ۱

کریان مخالف خط امام گرفته تا لیبرالها و ساوا - کیپنا و حجتیایها و کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و عناصر نفوذی دشمن و ۰۰۰ در آن جبهه هستند، بی کمترین پند مهوشی قصد بازگرداندن رژیم شاه را دارد، البته بدون شاه و در لباس ظاهری اسلام.

گرایش دوم که شامل نیروهای راستین خط امام، همه نیروهای خلق، یعنی توده های زحمت کش کارگر و دهقان، زحمتکشان شهری، روشنفکران انقلابی، مسلمانان رزمنده و پیروان صدیق سوسیالیستی می شود، خواهان آیراسی مستقل و آزاد است که کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی را ریشه کن کند و در راه منافع توده های عظیم خلق گام بردارد.

از ویژگیهای برجسته جهانزیم سال انقلاب،

نبرد این دو گرایش و تشدید بیسابقه آن بود. این نبرد که بعد از سقوط و فرار بنی صدر رخاين وارد مرحله جدیدی شده بود، در تب و تاب روز ها و رویدادها پیوسته خادتر و دشوارتر شد.

رفیق نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، درباره این نبرد گفت: "نبرد و گرایش در مسائل اقتصادی و در تمام مسائل مربوط به عدالت اجتماعی، یکی از ویژگی های بسیار با اهمیت کنونی کشور ما است. این نبرد با تمام شدت از دو طرف - البته از طرف سرنگان داران با شدت و جسارت بیشتر و از طرف نیروها مدافع خط مردمی امام با شرمش بیشتر - ادامه دارد. این نبرد، همانطور که بارها گفته ایم، عبارتست از مبارزه بین دو گرایش: یک گرایش

دفاع از ادامه و گسترش غارتگری سرمایه داران بخش خصوصی است. گرایش دیگر، دفاع از محد و در گشت غارت سرمایه داری و در جهت تعدیل ثروت است." (پرسش و پاسخ - ۲ مهماه ۱۳۶۱)

رشد نبرد بین دو گرایش و افزایش شدت آن در آخرین ماههای سال گذشته به خدی رسید که به محتوای اساسی روند انقلابی کشور مادر مرحله کنونی تبدیل شد. دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، ارزیابی حزب توده ایران را در این زمینه چنین اعلام داشت:

"یکی از نبردهای اساسی که الان بین پیروان خط مردمی امام خمینی با هواداران غارتگری بسی بند و بار سرمایه داری جریان دارد، همین است. ندمه برخورد های اقتصادی که الان در جامعه ما دیده میشود، در چارچوب مشخص نبرد طبقاتی، یعنی نبرد بین طبقات محروم و غارت شد و طبقات ثروتمند و غارت کننده است. این محتوای اساسی روند انقلابی در مرحله کنونی جامعه ما است."

(پیش - نسیخ - ۱۵ آبان ۱۳۶۱) در آستانه پنجمین سال انقلاب، این نبرد در تمام زمینه ها با شدت فزاینده ادامه دارد. گرایش اول، در زمینه عدالت اجتماعی، همه شعارها، خواستهها و وعده های انقلاب را زینسا میکند. ارد و خواهان بازگشت به گذشته است.

گرایش دوم، خواستار محدود کردن دامنه غارت سرمایه داری و اجرای شعارهای انقلاب در زمینه عدالت اجتماعی است.

گرایش اول، خواستار توقف مبارزه با امپریالیسم جهانی، بسرکردگی آمریکا، کشودن راه دوستی مجدد با آن و دشمنی با ارد و گاه انقلاب جهانی است. گرایش دوم همچنان بر موضع ضد امپریالیستی و ضد آمریکایی ایستاده است.

گرایش اول خواهان از میان بردن آزاد بیگانه دیکراتیک، تشکل های زحمتکش و پایمال کردن حقوق فردی و اجتماعی زحمتکشان و سرکوب همه تفکرات مرفی اعم از مسلمان و مارکسیست است. گرایش دوم میکوشد که در چارچوب قانون اساسی حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی را تأمین کند.

سایه این نبرد، که در سه زمینه اصلی بالا ادامه دارد، بناچار بر همه زمینه های اصلی و فرعی زندگی اجتماعی می افتد. بدینسان نبرد در همه سطوح، از استخدام فلان کارمند گرفته تا تصاد رفلان کارخانه و انتخاب دوستان در سطح جهانی، دیده میشود. نبردی دامنه دار و شتابنده. نبردی که همه نیروها را به میدان خوانده است. این نبرد سرنوشتی است.

حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، که با تمام نیروی خود برای پیروزی گرایش دوم میکوشد، بر آنستکه انقلاب قادر خواهد بود که در این نبرد سرنوشتی پیروز شود. انقلاب خواهد توانست از این دو راهی خطرناک بگذرد و دشمن را با همه نیرو و تدارک در هم بشکند. تنها بیک شرط: نیروهای انقلابی، صرف نظر از تفاوت در عقاید سیاسی و مذهبی، زیر رهبری امام خمینی، برای رسیدن به اهداف اعلام شده انقلاب که در قانون اساسی هم آمده است، متحد شوند و با استفاده از نیروی عظیم خلق که آماده جانفشانی است، دشمن را در هم بشکنند. این یگانه شرط پیروزی انقلاب در نبرد سرنوشتی آن است.

چهارمین سالگرد انقلاب شکوهمند ضد امپریالیستی

و خلقی مردم میهن ما خجسته باد!

بقیه از صفحه ۱

آمریکا ۰۰۰. همانقدر غرور انگیز و شاد آور است، که وارد آوردن ضربات جدی به طبقات استثمارگر و مصادره ثروت غارت شده توسط هزار فاضل و اموان و انصارشان، ملی کردن بیش از ۷۰ درصد منابع متعلق به خائنین پهلوی و چپاولگران دیگر، مجازات شایسته سردمداران رژیم پهلوی و جنایتکاران ساواکی و خائنین دیگر و همچنین سقوط دولت موقت و شکست لیبرالها، نفوذ خائنین و چهره موز کرده به درون نهادها و ارگانهای دولتی و انقلابی از قبالی امیر انتظامیها، کشمیری ها، نرزهها، مقدم مراغهایها، بنی مبدرها، شریعتی داریها و قطبزادهها مهدویها و کلاهیها همانقدر دردناک و متاثر کننده است، که تداوم وجود بقایای این عناصر خائن در نهاد های جمهوری اسلامی.

و ضد شوروی و ضد کمونیستی از تحولات بنیادی به نفع زحمتکشان و مستضعفان جلوگیری کنند و پایه های متزلزل شده کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی را استوار سازند. راستگرایان بعد انقلاب و امپریالیسم امید وارند با این اقدامات بتوانند انقلاب را از راه اصلی ضد امپریالیستی، ضد کلان سرمایه داری، ضد فئودالی و مردمی خود منحرف کنند. آنها از این طریق زمینه بازگشت دوران گذشته را به اشکال جدید و "اسلامی" آن هموار میکنند.

در همین حال، تدارک نظامی سرکوب انقلاب و جمهوری اسلامی ایران با تمام شدت ادامه دارد. تا اگر راه صحن انقلاب بدست خلق صدود شد، برنامه تجاوز نظامی پیاده شود.

دشمنان تعمیق انقلاب دامن زدن به جو ضد توده ای و ضد شوروی و ضد کمونیستی را وسیله جلوگیری از تصحیب قوانین مورد نیاز برای تحولات بنیادی از جمله قانون بازگشتی خارجی و اصلاحات ارضی قرار داده اند. اکنون این نیروها با تهاجم رذیلانه به حزب توده ایران و بازداشت رهبران و مسئولین حزبی، از جمله رفیق نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران زمینه ایجاد جو خوفناک و ترور را برای تصحیب قوانین ارتجاعی، از قبیل پیش نویس قانون کار طرفدار سرسرم بایعداری "صالح"، صحنه پیش از پیش قانون اصلاحات ارضی برای حفظ پایه های متزلزل بزرگ مالکی فراهم میکنند.

دشمنان نسبی و نزدیکی به بخشی از دوستان خارجی انقلاب، همانند کشورهای جبهه پایداری و کشورهای آزاد شده دیگر مانند کره دیکراتیک، کوبا و نیکاراگوئه همانقدر امیدوار کننده است که گرفتار شدن در دام برزیلینکی و استقلال را به مفهوم ستیز با دگراندیشان داخلی و خارجی جانیدار انقلاب دانستن، هشدار دهنده و نگران کننده.

جانفشانی های ایثارگران خلق در جبهه جنگ و در جبهه کارخانه و مزرعه، دفع تجاوز و آزاد سازی سرزمین میهن انقلابی غرور انگیز و شاد آور است.

اما تغییر شعاره ای اولیه انقلاب یعنی آزادی - استقلال - عدالت اجتماعی به شعارهای نامفهوم و دست نیافتنی میتواند سخت سرنوشت ساز باشد و انقلاب مردمی و ضد امپریالیستی ما را به ناکامی بکشاند.

امپریالیسم آمریکا با تدارک وسیع نظامی در منطقه ایجاد "مرکز فرماندهی سیاسی - نظامی" از یک سو و تحمیل یک جنگ طولانی و فرسایشی از طریق عراق به میهن انقلابی ما از سوی دیگر به کمک آن نیروهای ضد انقلابی و راستگرا آمده است، که میکوشند با دامن زدن به جو ضد توده ای

در آغاز پنجمین سالگرد انقلاب شکوهمند بهمن ما، بتام مردم آزادی دوست و استقلال طلب ایران و پیروزه کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان که بار عظیم پیروزی و تحکیم انقلاب را بدوش کشید هاند و در این راه هزاران قربانی داد هاند، اعلام خطر میکنیم:

همچوم به حزب توده ایران سرفراز کوشش تازه دشمنان برای محدود ستاوردن های مردمی و ضد امپریالیستی انقلاب است. باید این توطئه را نپسز مانند توطئه های قبلی باشکست مواجهه ساخت.

شناحت نسبی و نزدیکی به بخشی از دوستان خارجی انقلاب، همانند کشورهای جبهه پایداری و کشورهای آزاد شده دیگر مانند کره دیکراتیک، کوبا و نیکاراگوئه همانقدر امیدوار کننده است که گرفتار شدن در دام برزیلینکی و استقلال را به مفهوم ستیز با دگراندیشان داخلی و خارجی جانیدار انقلاب دانستن، هشدار دهنده و نگران کننده.

جانفشانی های ایثارگران خلق در جبهه جنگ و در جبهه کارخانه و مزرعه، دفع تجاوز و آزاد سازی سرزمین میهن انقلابی غرور انگیز و شاد آور است.

اما تغییر شعاره ای اولیه انقلاب یعنی آزادی - استقلال - عدالت اجتماعی به شعارهای نامفهوم و دست نیافتنی میتواند سخت سرنوشت ساز باشد و انقلاب مردمی و ضد امپریالیستی ما را به ناکامی بکشاند.

امپریالیسم آمریکا با تدارک وسیع نظامی در منطقه ایجاد "مرکز فرماندهی سیاسی - نظامی" از یک سو و تحمیل یک جنگ طولانی و فرسایشی از طریق عراق به میهن انقلابی ما از سوی دیگر به کمک آن نیروهای ضد انقلابی و راستگرا آمده است، که میکوشند با دامن زدن به جو ضد توده ای

نامه سرگشاده حزب توده ایران به مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران

بقیه از صفحه ۷

حادثه جو و منحرف و یا خرابکار ، آگاهانه و یا ناآگاهانه ، خراب کرده و به سنگلاخ غیر قابل عبوری مبدل ساخته ، و با این عمل خود بزرگترین خدمت را به پیشرفت سیاست نفاق افکنی امپریالیسم و ضدانقلاب کرده بودند .

حزب توده ایران در این دوران تمام توان و نیروی خود را در جهت تثبیت و تحکیم و گسترش دست آوردهای گرانبهای انقلاب شکوهمندمان به کار انداخت و هیچگونه توهین ، افترا ، اتهام ، کارشکنی ، مزاحمت و دشمنی آشکار نتوانست ما را از راهی که در پیش گرفته ایم و بدان صادقانه همتقدیم ، بازدارد و به کمترین درجه ای منحرف سازد .

درست به همین علت حزب توده ایران از همان آغاز مورد کین توزانه ترین و آشتی ناپذیرترین خصومت همه دشمنان انقلاب ، از امپریالیسم آمریکا گرفته تا گردانندگان گروه ها و گروهک های حادثه جو و وازدگان چپ نما و چپ رو قرار گرفت . درست به همین علت مسئله ناتوان ساختن و درهم شکستن و نابودی حزب توده ایران به یکی از عمده ترین رهنمودهای امپریالیسم آمریکا به دستیاران خود و به یکی از عمده ترین مواد برنامه عمل روزانه همه دارو دسته های ضد انقلابی ساواکی - سلطنت طلب ، لیبرال ، توطئه گر و چپ رو مبدل گردید .

تلیفات و اقدامات گروه هایی مانند حزب خلق مسلمان و جناح آمریکایی - ارتجاعی حجتیه (از جمله پخش نشریه غیر قانونی "احزاب" در روزهای نماز جمعه) و اظهارات افراد جنایتکاری مانند سرگرد رکنی ، همزمت فکر کودتای نوزده ، تهرانی جلاد ددمنش ساواک ، احمدی روحانی از رهبران گروهک آمریکایی پیکار در مصاحبه های تلویزیونی و اظهارات کین توزانه خائسینی مانند بنی صدر و قطب زاده و رجوی و سلامتیان و سایر بازماندگان و هم پالکی هایشان ، همه نشانه های بارز این کینه دشمنان انقلاب ایران نسبت به حزب توده ایران اند .

ما تردید نداریم که نابود کردن حزب توده ایران یکی از عمده ترین و میرم ترین هدف های کودتای قطب زاده و همدستانش بوده است .

برادران ارجمند!

شما خوب می دانید که این کینه آشتی ناپذیر و عشتن تسکین ناپذیر به خون تودم های ها تنها و تنها به این علت است که حزب ما سر پایه تجربه و شناخت سیاسی - اجتماعی خود ، نقش بسیار موثری در افشای توطئه های رنگارنگ جنبه متحد ضدانقلاب ، در شناختن چهره های کربه ماسک دار عناصر خود فروخته ، که خود را در صفوف بالایی نیروهای انقلاب جا زده بودند ، ایفا کرده است . این کینه برای آنست که حزب توده ایران بدون تزلزل و تردید از آماج های صدامپریالیستی ، صدامستبدادی و مردمی انقلاب ، که زیر رهبری بردارایت شخصیت بزرگ مذهبی ، ملی و سیاسی مینن ما امام خمینی به پیروزی رسید ، دفاع کرد و در این راه از هیچ تلاشی تا حد ایثار جان فروگذار نسود . ایفاد این کینه به آن اندازه ایست که قطب زاده ، مامور مزدور سازمان "سیا" ، چندماه پیش از آن که آخرین مرحله توطئه براندازیش آغاز شود ، به همدستانش رهنمود داده بود که برای برانداختن حاکمیت کنونی جمهوری اسلامی ایران ، باید اول حزب توده ایران را از سر راه برداشت . ما اطمینان داریم که رسیدگی همه جانبه به اسناد لایه حاسوسی آمریکا و اعترافات همه توطئه گران واز آن حمله گردانندگان توطئه اخیر ، این ادعای ما را بدون خدشه تایید خواهد کرد .

کوتاه سخن! خواه دولت مردان کشور ما بیدیرند و یاه عللی از پذیرش آن سر باز زنند ، این یک واقعیت تاریخی در انقلاب شکوهمند مینن ماست ، که سرسخت ترین دشمنان درونی و جهانی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران ، نسبت به حزب توده ایران همان قدر کین و نفرت می ورزند ، که نسبت به پیروان راستین خط امام خمینی ، و نابودی این دو جریان سیاسی بدون تردید اولین آماج همه توطئه های آنان است . بی جهت نیست که تمام تلیفات جهانی امپریالیسم و ضدانقلاب هر روز و هر شب می کوشد این طور القا کند که گویا موثرترین دولت مردان جمهوری اسلامی ایران و پیروان راستین خط امام خمینی همه از اعضا حزب توده ایران هستند!

برادران ارجمند!

به نظر ما ، در سایه همین واقعیت است که باید عملکرد آن نیروهایی را در جامعه ایران مورد بررسی موشکافانه قرار داد ، که پایه های شکست هایی که انقلاب ایران به جنبه متحد ضدانقلاب وارد می سازد ، کینه و دشمنی نسبت به حزب توده ایران و کشورهای سوسیالیستی پشتیمان انقلاب ایران را افزایش می دهند و هر روز دیوانه وار تر دامن می زنند . این نیروها می کوشند ، تا با به کار انداختن همه امکانات خویش ، از تجهیز اوپاش و ولگردان گرفته ، تا پرونده سازی به کمک عوام ملی مانند کشمیری ها ، که در نهادهای انقلابی خازده اند ، از یک سو افراد حزب توده ایران را مرعوب کنند و از این راه فعالیت علنی حزب ما را در جامعه غیر ممکن سازند ، و از سوی دیگر فعالین حزب را به عناوین گوناگون ساختگی به زندان بیدارند و با جوسازی ، سبادهای انقلابی را آن قدر زیر فشار بگذارند ، تا به طور رسمی از فعالیت حزب توده ایران جلوگیری نمایند .

واقعیت امروز جامعه ما چنین است که ، علیرغم رهنمودهای صریح و بدون خدشه امام خمینی رهبر انقلاب و بنیان گزار جمهوری اسلامی ایران درباره فعالیت آزاد احزاب سیاسی غیر معارب ، که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم به طور روشن بازتاب یافته و مورد تأیید قاطبه مردم انقلابی مینن ما نیز قرار گرفته است ، علی رغم اعلامیه ۱۰ ماده ای دادستانی کل انقلاب اسلامی ، که پس از انتشارش در فروردین ۱۳۵۹ ، بارها و بارها مورد تأیید مجدد همه مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است ، عملاً همه امکانات فعالیت سیاسی از حزب توده ایران گرفته شده است و عده زیادی از افراد و هواداران تنها به اتهام هواداری از راه و روش و موضع گیری سیاسی حزب ما به زندان افکنده شده اند ، و این همه در حالی است که در دوران سه ساله پس از پیروزی انقلاب ،

نلمه سرگذشته حزب توده ایران به مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران

برادران ارجمند!

بدون تردید شما کاملاً اطلاع دارید که نه تنها در مطبوعات و رسانه‌های گروهی وابسته به ضدانقلاب و گروه‌های آمریکا ساخته و آمریکازده و فاجراجو، بلکه متأسفانه در مطبوعات و رسانه‌های گروهی وابسته به حاکمیت جمهوری اسلامی نیز طی ۳ سال گذشته، از وارد آوردن هیچ‌گونه توهین و افترا و اتهامی نسبت به حزب توده ایران و مسئولین آن "کوتاهی" نشده است. بدون این که حتی یکبار هم به یکی از شکایات متعدد ما نسبت به این اتهامات ناروا، در یکی از مراجع قانونی رسیدگی به عمل آید. این جریان در ماه‌های اخیر، درست به موازات این واقعیت که رویدادها، ارزیابی‌ها و پیش‌بینی‌های حزب ما را هر روز بیشتر مورد تأیید قرار می‌دهند، شدت بی سابقه‌ای یافته است؛

ما را متهم می‌کنند که مستقل نیستیم و به "کشورهای خارجی وابسته" ایم!
ما را متهم می‌کنند که هزینه‌هایمان از منابع "مشکوک" و به احتمال با کمک منابع "خارجی" تأمین می‌شود!
ما را متهم می‌کنند که در پشتیبانی از سیاست‌گیری ضد امپریالیستی و مردمی خط امام خمینی صادق نیستیم و این سیاست را "فرصت طلبانه" برای هدف‌های "توطئه‌گرانه" برگزیده ایم!
ما بارها و بارها، چه کتبا و چه شفاهاً، از مقامات مسئول کشور خواسته‌ایم که به این اتهامات و افتراها رسیدگی به عمل آید. چرا رسیدگی نمی‌شود؟ آیا به این علت است که تنها دلایلی که علیه حزب ما وجود دارد، همان بی‌اعتنا به است که ساواک و گروهک‌های ساواک‌زده، مانند جبهه ملی، علیه حزب ما برهم‌ساز کرده‌اند؟ آیا محبت-نگر و باغبانان نیست که شریات وابسته به نهادهای افغلاسی بی‌روح خط امام خمینی، از پرونده‌سازی‌های ساواک برای این مال‌گردن حزب توده، ایران بهره‌گیری کنند؟ آیا نظیر این پرونده‌های ساختگی ساواکی برای بسیاری از دولت‌مردان شوی جمهوری اسلامی ایران وجود ندارد؟

برادران ارجمند!

این اتهامات، غیر از برخی اشتباهات ساده در گذشته، که حزب ما پیش از همه خود آن‌ها را پذیرفته است، هر دروغ جبری نیست. این اتهامات حرم ما است. حرم ما اینست که از دیرباز راه انقلاب ایران را به درستی تشخیص داده‌ایم. حرم ما اینست که دوستان و دشمنان انقلاب ایران را، چه در درون میهن و چه در صحنه جهانی به درستی شناخته‌ایم و با روشنی و پیگیری موضوعی که همان صادقانه به عدالت هستیم، ایستاده‌ایم. حرم ما اینست که ماهیت لیبرال‌ها، امپریالیست‌ها، بی‌عقدی‌ها، قطب‌زاده‌ها، باروگان‌ها، یزدی‌ها، صاعیان‌ها، دشمنی‌ها و سحاسی‌ها را به عنوان امید و تکیه‌گاه امپریالیسم آمریکا، به موقع افشا کرده‌ایم. حرم ما اینست که از سال ۱۳۵۳، بدون هزاران نوبت آن برای خودمان، شریعت‌مداری‌ها را به عنوان نیروی انقلابی به مردم ایران معرفی کرده و از روحانیان و مسلمانان مبارز بی‌روح خط امام خمینی پشتیبانی کرده‌ایم. حرم ما اینست که سرچشمه اساسی همه جریان‌های خائنانه و ضدانقلابی را، که همان نظام غارتگر کلان سرمایه‌داری و بزرگ‌مالکی وابسته به امپریالیسم است، شناخته‌ایم و ماهیت خویشوارش را عریان ساخته‌ایم. این‌هاست "حرم‌های سنگین و گذشته‌ناپذیر" ما! این‌هاست علت اساسی عطش تشنگی‌ناپذیر دشمنان حزب ما به سرودن توده‌های ما! این‌هاست علت اساسی تلاش جنون آمیزی که در ماه‌های اخیر برای پرونده‌سازی علیه حزب ما به راه نموده و هر روز ابعاد گسترده‌تری به خود می‌گیرد!

مقامات مسئولی در نهادهای جمهوری اسلامی ایران می‌کوشند تا با جمع آوری و به هم پیوند دادن ساختگی برخی ادعائات و اظهارات کودکان و گاهی پاشی از صعب برخی از هواداران و احتمالاً برخی از افراد حزب ما برای مجموعه حزب، پرونده، عدم احترام به قوانین جمهوری اسلامی ایران و یا حتی پرونده‌های دیگر سرهم‌بندی کنند. ما به وسیله این سند تاریخی رسماً اعلام می‌داریم که حرف حزب توده، ایران تنها و تنها عملگردهایم حزب ما است. موضع‌گیری و حتی عملکرد ما درست این با آن فرد هوادار و یا حتی فرد حزبی، حرف ماهیت و سیاست و عملکرد حزب نیست و نمی‌تواند باشد.

آیا می‌شود عملکرد حاکمیت جمهوری اسلامی ایران را با عملکرد شریعت‌مداری و روحانی و منافقی و نظایر آن‌ها سنجید؟ که حتی در عالی‌ترین مقام‌ها، مانند شورای انقلاب، عضویت داشته‌اند، ارزیابی کرد؟ آیا می‌شود ماهیت مجموعه روحانیت را با عملکرد شریعت‌مداری و روحانی و منافقی و نظایر آن‌ها سنجید؟ در هفته‌های اخیر از چهار سو خبر می‌رسد که به زودی "توده‌کنش" آغاز خواهد شد. و برای این منظور نیروهای مسلحی تلاش می‌کنند تا با پرونده‌سازی رذیله‌ساز سیاست حزب ما را مورد سؤال قرار دهند و این‌طور القا کنند که حزب ما در جهت مخفی ساختن سازمان‌های خود و تدارک مبارزه، مسلحانه علیه جمهوری اسلامی ایران گام برمی‌دارد. این رذیله‌ترین افترا است که دشمنان انقلاب ایران به حزب ما وارد ساخته‌اند، حزبی که تمام سیاست و فعالیتش در جهت مخالف یک چنین افترا بی‌بسیاری بوده و هست، و بدون تردید تا هنگامی که خط امام خمینی، خط حرکت حاکمیت جمهوری اسلامی ایران باشد، خواهد بود.

ما با روشنی و قاطعیت اعلام می‌داریم که: حزب توده، ایران نه تنها در صدد تدارک مبارزه مسلحانه علیه جمهوری اسلامی ایران نیست و نمی‌تواند باشد، بلکه با تمام نیروی خود علیه گروه‌ها و گروهک‌هایی عمل کرده و می‌کند، که خواه آگاهانه، در چارچوب سازش‌ها

يك سال ديگر نبرد با ضد انقلاب

ایران و بویژه دیوار هیا و خیابانهای تهران، در کنار شعارهای " سرک بر تود های "، " مرگ بر فدائی "، " مرگ بر شوروی "، " شعار " مرگ بر بی حجاب " - پیو - شانه شده. شعار " مرگ بر بی حجاب "، کسه همراه آن تعداد زیادی دشنام بصورت شعار، خطاب به زنان و مردان نوشته میشد، از آغاز سال پیوسته اوج بیشتری گرفت. کار به جایی رسید که پوشیدن پیراهن آستین کوتاه توسط مردان هم " کناه " و نشانه بی غیرتی " خوانده شد.

تنها وقتی در روز ۷ خرداد ۱۳۶۱ اجتهاد الاسلام هاشمی رفسنجانی، در خطبههای نعت از جمعه، این توطئه را افشا کرد، این موج در هم شکست.

جنگ فرسایشی

سال گذشته، سال پیروزی های درخشان رزمندگان دلاور ایران در جبهه های نبرد با متجاوزان صدامی، برای آزاد کردن زمین های اشغال شده مین ما بود.

اما همینکه طلیعه پیروزی های ایران در جبهه ها آشکار شد، و شکست متجاوزان آشکار گردید، امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، توطئه جدیدی را برای استفاده بیشتر از جنگ تحمیلی سازمان داد.

رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده، ایران، نظر حزب توده، ایران را درباره این توطئه چنین اعلام کرد:

" به نظر ما، در مرحله کنونی آمریکا با تمام قوا مخالف پایان یافتن جنگ است و با تمام قوا برای تدارک در جهت توسعه دادن آتش جنگ در مجموعه منطقه تلاش می کند. ۱۰۰۰ امپریالیسم آمریکا با تمام قوا کوشش می کند که این آتش را همین طور شعله ور نگه دارد. ۱۰۰۰ به نظر ما، این جنگ بسود امپریالیسم است و در آینده هم بسود امپریالیسم است، و به همین جهت امپریالیسم نقشه های گوناگونی برای توسعه این جنگ در پیش دارد. " (پرسش و پاسخ - ۵ خرداد ۱۳۶۱) :

" نقشه امپریالیسم این است که در صورت ورود ارتش ایران به خاک عراق، با دادن همه کمک ها و امکانات به عراق، متحد پشتیبانی از راه حملات گسترده هوایی به مراکز اقتصادی کشور ما یک جنگ فرسایشی طولانی را به ما تحمیل نماید. " (پرسش و پاسخ - ۱۲ تیر ۱۳۶۱)

اکنون، در آستانه سال پنجم انقلاب، این توطئه امپریالیستی با تمام نیرو و در تمام جهات اجرا می شود.

کودتا، بمب گذاری، ترور

امپریالیسم آمریکا، در سال گذشته، با تشکیل گروه نظامی - سیاسی و یک گروه سیاسی، شانس خود را برای انجام يك کودتای نظامی در ایران آزمود و همه این گروهها که با سبیا رایطه

داشتند و معروفترین آنها باند قطب زاده بود، دستگیر و برخی از رهبران آن از جمله قطب زاده اعدام شدند.

کارگزاران امپریالیسم از تحریر بمب گذاری و ترور هم دست برنداشتند. انفجار مهیب در میدان عشرت آباد تهران مخیابان خیام و ناصر خسرو و از جمله جنایات بمب گذاریان آمریکا فرستاده بود.

ضد انقلابیون همچنین به ترور حجت الاسلام احمد خمینی، فرزند امام، اقدام کردند، که این توطئه خنثی شد. این جنایتکاران، حجت الاسلام احسان بخش امام جمعه رشت را بشدت مجروح کردند. و آیت الله صدوقی، امام جمعه یزد و آیت الله اشرفی اصفهانی، امام جمعه باختران را به شهادت رساندند.

لیبرال ها به میدان آمدند

اواسط شهریور ماه ۶۱ لیبرالهای " نهضت آزادی "، بار دیگر با پخش نامه های سرگشاده علیه خط امام خمینی به میدان آمدند.

نامه های سرگشاده " نهضت آزادی " حمله وسیعی بود علیه تمامی اهداف و دستاوردهای انقلاب. رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده، ایران، در جلسه پرسش و پاسخ ۱۷ مهر ۱۳۶۱ درباره توطئه حدیث ضد لیبرال ها، از جمله گفت:

" به عقیده ما، فعال شدن " نهضت آزادی " در ارتباط مستقیم با توطئه نهم آمریکا یعنی تشدید همه جانبه جریانهای نازاوسی - تراشی بوسیله ستون پنجم و بهره گیری سیاسی از این جریانها برای تضعیف خط امام در حاکمیت است. این نقشه آمریکا است. ۱۰۰۰ اینها حالا دیده اند که با تشدید بعضی ناراضی ها در مردم، در نتیجه دشواری های ناشی از جنگ و محاصره اقتصادی و در ضمن ناشی از اشتباهات و کمبود های کار حاکمیت، ظاهرا آب گل آلودی هست و می شود از آن ماهی گرفت، لذا شروع کردند به فعالیت مجدد.

لیبرالها در آغاز سال پنجم انقلاب همچنان با استفاده از کرسی های که در مجلس دارند خط آمریکا را اجرا می کنند، هر لایحه بسود مستضعفین که مطرح می شود، همراه با راستگرایان " اسلام پناه " رای منفی می دهند.

نبود بر سر انجام تحولات بنیادین

واحقاق حقوق زحمتکشان

سال چهارم انقلاب سال تیزی سخت میان طرفداران دو اسلام، بر سر اجرا یا عدم اجرای تدابیر بنیادین نظیر اصلاحات ارضی و دولتی کردن بازارگانی خارجی بود. تصویب قوانین بنیادین نظیر اصلاحات ارضی و دولتی کردن بازارگانی خارجی از همان آغاز با مقاومت جدی "ته" خطرناکی از عناصر مخالف انقلاب در درون حاکمیت جمهوری اسلامی ایران روبرو شد

که نام های مذهبی و مکتبی بر خود نهاد مانند و کمر هم تیر جلوه گیری از اقدامات بنیادین بسود زحمتکشان بسته اند. درباره این گروه حجت الاسلام موسوی خوئینی ها در فروردین ۱۳۶۱ گفت:

" پس از شکست دو جریان لیبرالیسم فرسی و منافقین، جریان سوم که همان طبقه مرفه و صبا - حبان ثروتهای کلان و نامشروع هستند (بسه میدان آمد)، اینها بجای ارگانهای تصمیم گیری و بویژه مجلس شورای اسلامی افتاده و در برابر هر تصمیمی که جهت منافع محرومین و علیه طبقه مرفه گرفته می شود، اعتراض کرده و می گویند مجلس در پی تصویب قوانین سوسیالیسم پسند است. باید این جریان را همانند دو جریان دیگر در هم بشکنند.

درباره توده ستیزی و شانناژ ضد کمونیستی، این حرره مهم راستگرایان در جلوه گیری از توطئه لویایح بنیادین، حجت الاسلام کروبی در مجلس گفت:

" آمریکا طبق عادت همیشگی اش در تلاش است هر انقلابی را برجسب مارکسیستی بزند یا بگوید مثلا کمونیستها و تود های ها در انقلاب نفوذ کردند. آمریکا این موضعگیری را بنا بر ماهیت کثیف و پلید شدن همه دنیا داشته است.

این رویارویی خطا در زمینه مبارزه علیه ای نظیر اصلاحات ارضی و بازارگانی خارجی، در طول سال چهارم انقلاب به صفت بندی نیروها در درون و بیرون حاکمیت جمهوری اسلامی ایران انجامید. مبارزه حیاتی بر سر این قوانین سرنویست ساز به مساله گریه انقلاب بدل شد. در این مبارزه حزب توده، ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نقش فعال و مؤثر داشتند.

تحول بر است در حزب جمهوری اسلامی

در جریان رویارویی گرایشهای متضاد در درون و بیرون و حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، صفت بندی نیروها در سال چهارم انقلاب با سرعت هر چه تمامتر جریان یافت و در يك سو جریان راست مدافع کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی و در سمت دیگر مبارزان راستین پیرو خط امام خمینی قرار گرفتند. این روند نیروهای مختلف را با موقعیتی مواجه کرد که از آنسوی موضعگیری صریح به نفع این یا آن گرایش را می طلبید.

در ۲۰ شهریور ۱۳۶۱ نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده، ایران، درباره حزب جمهوری اسلامی گفت:

" بعد از شهادت دکتر بهشتی و دکتر باهنر، ما شاهد آن هستیم که بخش عدالت اجتماعی در صفحات روزنامه جمهوری اسلامی، به طور محسوس هر روز رنگ پریده تر می شود. دوستانی که با برخی از دوستان حزب جمهوری اسلامی تماس دارند، می گویند که موضع گیری دفاع از سرمایه داری در حزب جمهوری اسلامی هر روز مشخص تر و بارز تر می شود. البته این گفته ها را نمی توان سند گرفت. ولی تفسیر دفتر سیاسی

یک سال دیگر نبرد با ضد انقلاب

بقیه از صفحه ۱۲

حزب جمهوری اسلامی ... نشان دهنده وجود و بروز این پدیده است. دیده می شود که حزب جمهوری اسلامی آشکارا وجود طبقات را یکی نمی کند. وی پس از انتشار بیانیه " نفی طبقات " در مورد احزاب خورده بورژوازی قانونمند است، ادامه داد:

" ما امروز کسانی از وابستگان به حزب جمهوری اسلامی را می بینیم که خیلی صریح و با اصرار در این جهت هستند، که نه تنها سرمایه داری یا بخش خصوصی را نگاه دارند، بلکه جداً تقویت کنند و به آن امکانات وسیعی بدهند. مسا این گرایش را در بعضی از تصمیمات دولتی، که بصورت کلی دولت حزب جمهوری اسلامی است، و همچنین در عملکرد بعضی از وزرای که در سطح رهبری حزب جمهوری اسلامی هستند، دید مایم و می بینیم."

رفیق کیانوری سپس با مقایسه مواضع کنونی حزب جمهوری اسلامی و روزنامه ارگان آنها با مواضع اعلام شده توسط بنیانگذاران این حزب، بخصوص شهید بهشتی و یا هنر، نتیجه گرفت:

" حزب جمهوری اسلامی، در مجموع خود، در جریان یک تحول به سمت راست است. حال این واقعا یک تحول بنیادی به سمت راست است، یا در این میانه تغییراتی پیدا خواهد شد، که جلوی این تحول را بگیرد، و به عقب برگرداند، این را تاریخ آینده نشان خواهد داد. مسلم این است که بین جناح مردمی حزب جمهوری اسلامی و جناح طرفدار سرمایه داری آن، این بحث و اختلاف در آینده جدی خواهد شد."

اصلاحات ارضی

لایحه " احیا و واگذاری اراضی مزروعی " که از اوایل سال ۶۱ در " کمیسیون ویژه " تحت بررسی قرار گرفت، بالاخره در آذرماه امسال برای بررسی و تصویب تقدیم مجلس شد. راستگرایان مدافع بزرگ مالکی در جریان کار " کمیسیون ویژه " کوشیدند لایحه را به " شریعی یال و دم اشکم " تبدیل کنند و با حذف مواد اساسی و اضافه کردن تبصره های مختلف به لایحه، ببرندگی آن علیه بزرگ مالکی را از بین ببرند. در کمیسیون ویژه نمایندگان خط امامی امتیازاتسی به مخالفین دادند، که لایحه را از نواص جندی برخوردار کرد (مثلا تبصره ای که به ماده ۱۶ افزوده شد)، اما لایحه تقدیمی به مجلس با شمام کمبودها در مجموع خود در صورت اجرا بدست مجریان انقلابی، می توانست زمینه قانونی شکستن کمر بزرگ مالکی را فراهم سازد.

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) که از دیرباز ضرورت اجرای اصلاحات ارضی انقلابی و محور بزرگ مالکی را برای انقلاب حیاتی اعلام کرده بودند، در جریان این نبرد سرنوشت ساز برای تصویب لایحه انقلابی در زمینه واگذاری اراضی، فعالانسه به دفاع از حقوق دهقانان زحمتکش برخاستند.

تودهایها و فدائیان خلق (اکثریت) هر جا که بودند، با بسیج نیروی حیاتیخش توده مردم و به میدان آوردن آن، با حمایت از مسئولان متعدد و حضانامی در نهاد های انقلابی و ارگانهای دولتی، با نشان دادن خصلت مردمی انقلابی به زحمتکشان روستا، برای عملی شدن یک تحول بنیادی و انقلابی در روستاهای ایران کوشیدند و به همین جهت پیش از پیش آماج حملات و تبلیغات مدافعین بزرگ مالکی و راستگرایان قرار گرفتند.

هنگامی که لایحه واگذاری اراضی در مجلس مطرح شد، جریان راستگرای مدافع فارنگری بزرگ مالکان " فراسیون " مخصوص خود را در مجلس بوجود آورد و کارزار سختی علیه لایحه آغاز نمود، کارزاری که در تصویب هر ماده، هر تبصره و هر بند در چهره بحثها و مجادلات طولانی خود را نشان داد. بخصوص ماده ۶ که هسته اصلی را تشکیل می داد مورد تهاجم " پیشنهاد های حذف " راستگرایان قرار گرفت، اما عاقبت با اکثریتی ضعیف از شوی مجلس تصویب شده. در جریان بررسی لایحه، مخالفین با انواع و اقسام برجسبها و اعمال شان تاژ ضد کمونیستی و ضد تودهای کوشیدند خط امامی ها را از میدان بدر کنند و بترسانند، و در مواردی نیز موفق شدند.

پس از اینکه لایحه مورد تصویب مجلس قرار گرفت، شورای نگهبان که دشمنی خود با لویج انقلابی پسود زحمتکشان را در مواردی نظیر قانون اراضی شهری و دولتی کردن بازرگانی خارجی نشان داده بود، لایحه واگذاری اراضی مزروعی را " مغایر با موازین شرع " اعلام کرد و آنرا رد کرد. در حقیقت سواالی را که مجلس با جواب مثبت پاسخ داده بود، اکثریت شورای نگهبان با پاسخ منفی داد، و آن اینکه " آیا باید قدرت اقتصادی را از دست بزرگ مالکان گرفت و حقوق زحمتکشان روستا را احقاق کردیا نه؟ " بدنیال پیش آمدن این بن بست، جناحهای مختلف کوشیدند هر یک به صریقه خود راه حلی ارائه دهند. گروهی عقب نشینی مجلس و صرف نظر کردن از اجرای شعارهای اصلی انقلاب را چاره دانستند، اما نیروهای انقلابی راستین از دیر باز تاکید می کردند که این بن بست تنها وقتی می تواند پسود انقلاب از میان برداشته شود که اصلاحات بنیادین و از جمله اصلاحات ارضی قاطعانه و علیرغم مخالفت محافل راستگرا اجرا شود، چرا که اگر چنین نشود، انقلاب منخ شده و در نهایت شکست خواهد خورد.

دولتی کردن بازرگانی خارجی

در زمینه دولتی کردن تجارت خارجی و از این طریق گرفتن اهرمی بزرگ از دست کلان سرمایه داران و اعمال کنترل دولت انقلابی بر یکی از مهمترین شریانهای اقتصادی کشور، نیز اکثریت مجلس و اکثریت شورای نگهبان در دو موضع بنیاد قرار گرفتند و در نتیجه کشاکش دو " خط " در پشت این قانون نیز همچنان نا معین است.

از آنجا که حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) درباره ضرورت سیاسی و اقتصادی و اجتماعی دولتی کردن بازرگانی خارجی و نقشی که این اقدام اصولی در تامین استقلال سیاسی و اقتصادی و نیل به خود کفایی و طرد روحیه گرایانه غربی و در تامین مبارزه با گرانی و کمبود کالاها و توزیع عادلانه و اصولا تامین عدالت اجتماعی و جلوگیری از چپاول کلان سرمایه داران و واسطهها دارد، موضع صریح و بی بازگشت خود را از مدت ها قبلی اعلام کرده بودند، هر کوششی برای پیشرفت و استحکام خط خدمت به مستضعفین و خدمت با استقلال سیاسی و اقتصادی کشور بازم به همان شیوه فرسوده برجسب زنی " کمونیستی " و " تودهای " مواجگتست، و بقول رفیق کیانوری هر " مرگ بر تودهای " بمعنای " مرگ بر دولتی کردن بازرگانی خارجی " و " مرگ بر اصلاحات ارضی " بود.

برخی مخالفان دولتی کردن بازرگانی خارجی در " استدالات " خود در رد این لایحه از این حربه استفاده کردند و کوشیدند و ناموسانند که مخالفت با این قانون، نه " طرفداری از گروه خاص سرمایه دار و تمایلی به خط سرمایه داری " بلکه مخالفت با " کمون " و " سوسیالیسم " است، چیزی که نظر به م خروسرهای فراوانی که از زیر قبای استدالات آنان بیرون زده بود، مشکل بتوان تصور کرد که کسی آن را باور کند. علیرغم اینکه ادعاهای طرفداران سرمایه داری و بزرگ مالکی " کمونیستی " است، ذرفای بنا واقعیت مطابقت ندارد، اما صرف همین دشمنی کین توارنه آنها با پیروان سوسیالیسم علمی نشان داد، که پیگیری ترین مدافعان منافع زحمتکشان، حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هستند، نشان داد که " اتهام پس بزرگ " و " بزرگترین اتهام " تودهایها و فدائیان خلق (اکثریت) وقاداری بی خدشه آنها به آریان توده های مردم و پیگیری آنها در مبارزه با بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران است.

قانون کار

در اوایل آذرماه، مسئولان کارگر ستیز وزارت کار، آقایان توکلی، محمدرضا پیشر نویس قانون کار دست پخت خود را مطرح کردند که در هفته های پس از آن، به موضوع بحثها و مجادلات فراوان بدل شد. پیش از آنکه دولت مردان خط امامی در مقابل این تهاجم گستاخانه مدافعان سرمایه داری به حریم حقوق کارگران عکس العملی از خود نشان دهند، کارگران خودشان با تشکیل جلسات متعدد گجمع آوری طومار، نوشتن نامه های سرگشاده و اشکال دیگر اعتراض، مخالفتشان را با پیش نویسی که حتی از قانون کار طاغوتی هم بدتر است نشان دادند. تشکلهای کارگری به سازماندهی اعتراض وسیع توده های کارگران علیه خط کارگر ستیز وزارت کار پرداختند و همانطور که شهید رجایی خواسته بود، فریاد کشیدند که نه تنها " چیزی گیرشان نیامده "، بلکه طرفداران سرمایه داری با لباس " شرع " می خواهند آنها را از ابتدایی ترین حقوقشان



جنگ صلیبی واشنگتن

پسراودا می نویسد:

"جنگ صلیبی" واشنگتن بعنوان عملیات تخریبی طویل مدت طرح ریزی شده است. در استراتژی کلی خود برای مبارزه با سوسیالیسم تحقق یافته، واشنگتن چیز نوری را بخندست گرفته است: "جنگ روانی". مقصد از این "جنگ" متزلزل کردن نظام حکومتی موجود در کشورهای جامعه سوسیالیستی، از راه خرابکاری سیاسی، جاسوسی و عملیات تبلیغاتی رنگارنگ خرابکارانه است. تا "پشت جنبه دشمن را در مرالیزه کند". "جنگ روانی" بخش جدائی ناپذیری از "جنگ صلیبی" علیه کمونیسم است که رئیس جمهور آمریکا طی سخنرانی خود در لندن در تاریخ ۸ ژوئن ۱۹۸۲ آنرا اعلام کرد: ریگان ایداً خواهان آن نشد که با سوسیالیسم واقعا موجود در زمینه های فکری و تدابیر اجتماعی، مسابقه گذاشته شود، بلکه از جنبه گیری در مقابل آن دفاع کرد و اظهار داشت که غرب "حق دارد" آشکارا در امور داخلی جامعه کشورهای سوسیالیستی و قبل از

همه در اتحاد شوروی و لهستان مدخله کند تا نظام موجود در آنها را تغییر دهد. مدت کوتاهی پس از این سخنرانی، رئیس جمهور آمریکا ستادی برای "جنگ صلیبی" درست کرد که نام آنرا "گروه ویژه بین المللی" گذاشتند. گروه برنامه ریزی کلی در سطح وزیران که وزیران جنگ و امور خارجه هم عضو آن هستند، به موازات این "گروه ویژه بین المللی" عمل میکند. نمونه برجسته دخالت فعال در امور داخلی کشورهای سوسیالیستی، سازمان دادن کنفرانس پیرامون مشکلات دموکراتیزه کردن در کشورهای کمونیستی بود که وزارت امور خارجه آمریکا آنرا برگزار کرد. روشن است که صحبت بر سر عملیات دشمنانه علیه کشورهای سوسیالیستی و خرابکاری دراز مدت است که طرح آنرا ارگانهای دولتی آمریکا و از جمله کاخ سفید ریخته اند. و هزینه های مالی آنرا هم میپردازند.

جنبش مخالفان ام.ایکس

دادگاه شهر وست برو / ماساچوست ۶ آمریکایی مخالف موشکهای اتمی را به حبس ویر - داخت جریمه مالی محکوم کرد. این شش تن در اواخر دسامبر ۱۹۸۲ در مقابل یک کارخانه متعلق به کنسرن الکترونیک آمریکایی که ۱۰۰۰ ای. علیه تولید موشکهای ام. ایکس اعتراض کرده بودند. یکی از محکومین کمیشیک بخش کاتولیک در بلینگهام است که در ملا عام بر علیه افزایش تسلیحات اتمی اعتراض نموده و بخاطر این عمل به دادگاه احضار شده بود.

در بوجه سال آینده مسیخی که ریگان در هفته گذشته تقدیم کنگره آمریکا کرد، بالاترین میزان هزینه نظامی در تاریخ کشور، ۲۸۰/۵ میلیارد دلار در نظر گرفته شده است. چنانکه در متن بودجه تقدیمی به کنگره آمده، بدین ترتیب میبایست تمام جوانب استراتژیک و متعارفی نیروها مسلح آمریکا مدرنیزه یا تقویت شود. همچنین دولت باید بدینوسیله در موقعیتی قرار گیرد که بتواند در مناطق بحرانی جهان عکس العمل نظامی از خود نشان دهد.

در نظر گرفته شده است که با این میالسخت هتکنت تولید و تکامل سلاحهای مدرن هسته ای از انواع مختلف تأمین شود. تنها ۲۰ میلیارد دلار برای پژوهش در رشته تکامل سلاحهای جدید تخصیص داده شده است.

کل بودجه سال ۱۹۸۴ بالغ بر ۸۴۸/۵ میلیارد دلار میشود. مقدار افزوده شده بر بودجه سال مالی جاری به تسلیحات اختصاص داده شده است. در مقابل آن ۴۰ میلیارد دلار از هزینه های اجتماعی دولت حذف خواهد شد. سالمندان، کودکان دانش آموز، خانواده های با کودکان زیاد و گیرندگان کون های مواد غذایی قربانیان این سیاست خواهند بود. کمتری بودجه سال جاری ۱۸۹ میلیارد دلار تخمین زده میشود.

ریگان اعلام کرده است که در نظر دارد مبلغ دیگری نیز برای استقرار موشکهای پریشنگ ۲ در اروپای غربی و پروژه های دیگر ناتو در کنگره طلب کند.

هندوستان

ایندیرا گاندی، نخست وزیر هند امریالیسم آمریکا و دیگر کشورهای غربی را متهم ساخت که سعی میکنند در میان جنبش غیر متحد ها تفرقه بیندازند. وی ضمن محکوم ساختن تلاشهای این کشورها برای تضعیف موقعیت هند، اعلام کرد که سیاست مستقل هند خوشایند آنان نیست و سعی میکنند رشد اقتصادی کشور را ترمز کنند.

تظاهرات بمناسبت روز تولد دکتر مارتین لوتر کینگ

خلق ایران (اکثریت) برگزار گردید. در قسمتی از اعلامیه ای که به همین مناسبت از طرف سازمان هواداران حزب و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) انتشار یافت آمده است: "امروز بیش از هر زمان دیگری مبارزه برای حفظ صلح جهانی بر علیه جنگ هسته ای از اهمیت والا بنی برخوردار است. مردم آمریکا بسا شرکت میلیونی خود در تظاهرات ژوئن گذشته، تصمیم راسخ خود را برای توقف مسابقه تسلیحاتی و صرف بودجه تبلیغاتی برای برآوردن نیازهای انسانی و مبارزه علیه جنگ و خرابکاری، نشان دادند. ما هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در آمریکا، ضمن پشتیبانی از این تظاهرات کسه بخاطر کار صلح و برابری انجام میگردد و ضمن پیوستن مردم آمریکا، خواستار قانونی شدن روز تولد مارتین لوتر کینگ بعنوان روز ملی میباشیم."

روز شنبه ۱۵ ژانویه ۸۳ تظاهرات با شکوهی بمناسبت روز تولد دکتر مارتین لوتر کینگ با شرکت بیش از سه هزار نفر در شهر اوکلند واقع در شمال کالیفرنیا برگزار شد. در این تظاهرات که تحت شعرهای کار صلح - برابری صورت گرفت، طبقات مختلف مردم شرکت داشتند. یکی از خواسته های شرکت کنندگان در تظاهرات مزبور، تصویب قانونی است که بموجب آن روز تولد دکتر مارتین لوتر کینگ تعطیل رسمی و ملی اعلام گردد. سخنرانان در این تظاهرات ضمن حمله سیاست تسلیحاتی و اقتصادی ریگان، خواستار تهیه کار برای بیکاران و کاستن از بودجه تسلیحاتی و همچنین خواستار برابری و حفظ صلح شدند. این تظاهرات با شرکت گروه های مترقی منطقه منجمه اعضا و هواداران حزب کمونیست آمریکا، هواداران شورای جهانی صلح، هواداران حزب توده ایران و هواداران سازمان فدائیان

RAHE TUDEH

No. 28

Friday, 11 Feb. 83

Address:

Winfried Schwarz
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

Prices:	England 30 P.
West-Germany	Belgium 22 Fr.
1 DM	Italy 350 L.
France 3 Fr.	U.S.A. 40 Cts
Austria 8 Sch.	Sweden 2 Skr.

در زنجو چه می گذرد؟

بقیه از صفحه ۱۵

در خارج می گردند و برخی نیز به سیربی منتقل میشوند. همزمان با این باید در مورد هواپیماهای جاملی بمبهای اتمی که ناتو از برتری نظامی برخوردار است، یک تعادل در سطح هرچه نازلتر از نظر تعداد سلاحهای اتمی برقرار گردد. اگر این پیشنهاد عملی شود، تعداد سیستم های حمل سلاحهای اتمی در شرق و غرب به نحو چشمگیری نزول خواهد کرد.

راه تووه